



نشر آرمیا
رُمان - ۴

بگفت میاد!

رنده عبدالفتاح

ترجمه محسن بدره



مقدمه مترجم

اینکه دخترها چه می پوشند، یا چه بیوشند، یا چطور سبک پوششان را انتخاب می کنند، فقط مسأله روزگار و جامعه ما نبوده و نیست. به همین خاطر بد نیست بدانیم دیگر دغدغه مندان این مسأله چطور با آن مواجه شده اند و اینکه می توان گفتمان دغدغه مندانۀ کاراتری را در قبال آن پی گرفت یا نه؟

پرسش های شمای خواننده، درباره هر کدام از بخش ها و درون مایه های این رمان را خود خانم «عبدالفتاح» باید پاسخ بگوید ولی تا آنجا که به مترجم ارتباط دارد باید بگویم انگیزه اصلی ام از انتخاب، ترجمه و به نشر سپردن این اثر توجه دادن به «روان شناسی اجتماعی» مسأله پوشش دختران و زنان در جامعه مان است، یعنی متوجه باشیم یک هنجار، در بستر زندگی فردی و اجتماعی، چه اقتضائات و ابعاد دقیق روانی پیدا می کند. مطمئناً هدفم از ترجمه کتاب نسخه پیچی و یا ارائه الگو و چیزهایی از این دست نیست.

آیا من دوست دارم همهٔ درون مایه‌های کتاب در جامعهٔ ما پیاده شوند؟ نخیر. آیا «آمل» - شخصیت اصلی داستان - الگوی کاملی است؟ آیا تمامی اقتضانات فرهنگی مسلمانان سنی مذهب ساکن استرالیا با اقتضانات فرهنگی جامعهٔ شیعی - ایرانی یکی است و یا قابلیت انطباق و الگوپذیری دارد؟ و... باز هم خیر!

با این وجود از حق نگذریم، هم آمل و هم این قصه حرف‌های خوبی برای گفتن به ما دارند. از شما چه پنهان، بخش‌هایی محدود از داستان‌های فرعی درون رمان در برگردان به فارسی نیامده‌اند، ولی شاکله و درون مایهٔ کتاب سرچایش هست. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید این کتاب تاکنون به زبان‌های مختلفی مانند اسپانیایی، عربی، کاتالان و... ترجمه شده است.

با احترام / مترجم